

الگوی دیده بانی توسعه پایدار استانی

گزاره برگ شماره ۳: اصول و فنون مشارکت مردم

سازمان برنامه و بودجه استان قزوین و موسسه ملی تحقیقات سلامت جمهوری اسلامی ایران، ایستگاه تحقیقات سلامت قزوین

۱



از سال ۱۹۷۰ «مشارکت مردم» یک اصل در سیاست‌گذاری‌ها برای توسعه پایدار محسوب می‌شود. اصل عملیاتی و بنیادی توسعه «مشارکت مردم» است به طوری که در منابع علمی از مردم به عنوان «منبع پنهان و فراموش شده» توسعه یاد شده است. امروزه در ضرورت آن شکی نیست و محققان به دنبال روش‌های مؤثرتر جلب مشارکت هستند. مشارکت مردم را به عنوان یکی از بازوهای فندق شکن برای کاهش بی عدالتی نیز معرفی کرده اند.

نتیجه نهایی مشارکت مردم «توانمندسازی» و «خوداتکایی» آنها است. نکته مهم روند تکوینی نگرش‌ها نسبت به مقوله مشارکت مردم است به طوری که در دو دهه گذشته از مردم و جامعه به جای «مشتری» به عنوان «شریک» یاد می‌شود.

این تغییر نگاه، سهم مردم در طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های سلامت را افزایش داده است به طوری که در تعاریف جدیدتر این سهم آشکارتر است: «درگیر شدن جامعه

در توسعه فرایندی است که به وسیله آن بین دولت و جوامع محلی در زمینه برنامه‌ریزی، اجرا و کاربرد فعالیت‌های توسعه شراکت به وجود می‌آید تا موجبات افزایش خود اتکایی و کنترل اجتماعی را فراهم آورد.» در تعریف دیگر مشارکت فرایندی معرفی شده که در آن اعضای هر جامعه تعیین نیاز می‌کنند، راه برآوردن این نیازها را معلوم می‌دارند، به طور گروهی در مورد اولویت‌هایشان تصمیم می‌گیرند و با هم برای نیل به اهداف طراحی شده بر اساس حمایت مقتضی کار می‌کنند. در مرور منابع علمی دو تفسیر از مشارکت وجود دارد:

- مشارکت به عنوان وسیله، ابزاری برای پشتیبانی پروژه‌ها و برنامه‌ها
- مشارکت به عنوان هدف، توانمندسازی مردم برای به عهده گرفتن مسؤولیت بیشتر

به نظر می‌رسد هدف نهایی هر دو تفسیر چیزی جز «توانمندسازی مردم» نیست. پیامدهای قابل سنجشی ناشی از مشارکت مردم مورد انتظار است «رضایت مردم، مشارکت آنان که در حاشیه‌اند، توانمندی مردم، ارتقای فرهنگ و سواد عمومی، بهبود کیفیت، ارتقای پوشش و ایمنی خدمات و هزینه اثربخشی منابع، پروژه‌ها و برنامه‌ها». در نهایت مزایای چنین مشارکتی عبارت است از:

- تداوم و پایداری برنامه‌ها (مالکیت)
 - تسریع نهادینه شدن و بومی شدن برنامه‌ها (مقبولیت)
 - رساندن منفعت به فقیرترین اقشار (عدالت)
 - دلبستگی به حاکمیت ملی و محلی و متعاقباً کاهش مهاجرت‌ها (رضایت)
- مشارکت برای خود فرد مشارکت‌کننده نیز فوایدی دارد و در نتیجه آن:

- **توانمندی** وی زیاد می‌شود چراکه دسترسی وی به منابع مختلف علمی و مهارتی افزایش می‌یابد، حداقل مهارت‌های ارتباطی، کار تیمی، مهارت‌های زندگی، برنامه‌ریزی، حضور مؤثر در جلسات، فن حمایت‌طلبی و... افزایش می‌یابد.
- مشارکت داوطلبانه به عنوان رفتار اجتماعی سالم، **افزایش رضایت** را به دنبال دارد و این رضایت سطح سلامت فردی را افزایش می‌دهد.
- مشارکت از طریق افزایش ارتباطات اجتماعی فردی، **حمایت اجتماعی** بیشتری را برای فرد فراهم می‌کند، حمایت اجتماعی از راه‌های مختلف به ویژه در مواقع بحرانی کمک کننده بوده و سطح سلامت فرد را افزایش می‌دهد.
- همیاری، کمک به هم نوعان و خیر رساندن به عنوان **رفتار معنوی** توصیه شده‌ی همه ادیان است.

الگوهای متفاوتی برای مشارکت مردم وجود دارد اما در مشارکت وسیع و همگانی استفاده از نمایندگی مردم برجسته شده و مشارکت مردم از این طریق تسریع می‌شود، «رهبران و بزرگان جامعه هدف، نمایندگان رسمی و قانونی مردم، سازمان‌های مردم نهاد، گروه‌های خودیار، افراد داوطلب، افراد محبوب جامعه، گروه‌های ویژه» از این قبیل هستند. **نمایندگی مردم یا مشارکت میانجیان** به دلایل زیر مؤثر است:

- نماینده‌ها منتخب هستند، پس انتقال انتظارات و صدای مردم تسهیل می‌شود.
- نماینده یا میانجی، دسترسی سریع‌تری به شبکه مردمی دارد، شبکه به عنوان یکی از منابع تغییر در جامعه است.
- میانجیان این قابلیت را دارند که الگوی تغییر رفتار باشند و مقاومت نسبت به آنها کمتر است، در نتیجه انتقال پیام‌ها تسهیل می‌شود.

- تقسیم کار بین میانجیان، توانمندسازی شبکه‌ای مردم را در پی دارد که سال‌های سال استمرار دارد.
- آگاهی میانجیان از منابع و ظرفیت‌های مشارکت مردمی دقیق‌تر است.
- میانجیان مختلف، خلاقیت در ارائه خدمات و پیام‌ها را افزایش می‌دهند، هنرمندان، روحانیون، افراد شاخص و...
- میانجیان پوشش و دسترسی به گروه‌های مردمی را افزایش می‌دهند.

باورهای نگران‌کننده و نادرست در زمینه مشارکت مردم عبارت است از :

□ مشارکت بار بیشتری بر گروه فقیران است و سبب می‌شود دولت دست از مسؤلیت خود بردارد!

با برنامه‌ریزی و اجرای صحیح مشارکت مردم، شناسایی افراد آسیب‌پذیر و یا نمایندگان آنها سرعت می‌گیرد، احتمال شنیده شدن صدای آنها بیشتر می‌شود و در موارد مؤثرتر نیازهای آنها را جواب می‌دهد. چه بسا با مشارکت مردم اولویت‌های دولت تغییر کرده و به نیازهای واقعی مردم نزدیک می‌شود.

□ ضمانتی برای اثربخشی مشارکت وجود ندارد!

بر پایه تجربیات بسیاری از کشورها اصول مشارکت مؤثر تجربه شده و انتشار یافته است. برای اثربخشی مشارکت شرط‌های جدی وجود دارد که از تعهد سیاسی صاحبان قدرت شروع شده و تغییرات عملیاتی و ظرفیت‌سازی‌ها را شامل می‌شود. اولین تضمین برای اثر بخشی مشارکت، ایجاد اعتماد در مردم است.

□ مشارکت ویژه طرح‌های با مقیاس کوچک است!

مشارکت مردم در سطوح مختلف قابل انجام است: در تصمیم‌گیری‌ها و نظارت‌های کلان از طریق میانجیان مردمی منتخب و در طرح‌های کوچک محله محور یا محل کار و تحصیل، مشارکت خانوارها و افراد خانواده.

□ مشارکت زمان‌بر و هزینه‌بر است و باعث تاخیر افتادن پروژه‌ها می‌شود!

قسمت اول عبارت درست است اما زمان و منابع صرف شده در مردم «توانمندی» ایجاد می‌کند که سبب افزایش اثرات برنامه‌ها و پروژه‌های آتی و پایداری آنها می‌شود، در چنین شرایطی اجرای برنامه‌ها و پروژه‌ها در زمان کمتر و با منابع کمتر (به دلیل استفاده از نیروی داوطلب) اتفاق می‌افتد. اساساً مقصر اصلی در طولانی شدن زمان اجرای پروژه‌ها دیوان‌سالاری است نه مشارکت مردم. به جای این که بگوییم وقت برای مشارکت نداریم، می‌توانیم روال‌های خود را برای مدیریت زمان پروژه اصلاح کنیم و توانایی جلب مشارکت مردم را ارتقا دهیم.

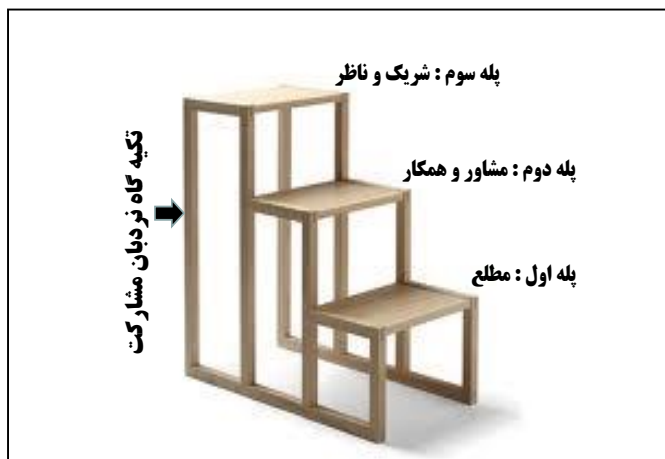
□ مشارکت همه آن چیزی است که برای توسعه لازم است!

واقعیت آن است که راهبردهای مختلفی برای توسعه در سه حوزه تسهیل، اجبار و ترویج تجربه شده است، از جمله می‌توان به استفاده از اجبار و الزام قانونی، آموزش‌های عمومی، مهندسی سلامت، همکاری بخش‌ها و بازاریابی اجتماعی اشاره کرد. نکته مهم در موفقیت برنامه‌های توسعه، استفاده همزمان و چند سطحی از همه راهبردهای فوق است.

□ مشارکت کاری تشریفاتی است!

ممکن است در برخی از تجربه‌ها، مشارکت مردم صرفاً یک شعار بوده باشد و در عمل اراده مردم، تأثیر چندانی در توسعه و پیشرفت جامعه نیابد اما این به معنی تشریفاتی بودن نفس مشارکت مردم نیست چراکه همزمان نمونه‌های فراوانی در جوامع وجود دارند که مردم، محور اصلی مدیریت جامعه بوده‌اند.

□ امکان مشارکت همه وجود ندارد! در هر پروژه‌های مشارکت در سطح بالا لازم است!



مردم در سطوح و مراحل مختلفی می‌توانند مشارکت کنند، سهم مشارکت مردم هم متفاوت است. به طور کلی برنامه‌ها باید امکان مشارکت تک تک اعضای جامعه را فراهم آورد و در موارد دشوار این امکان از طریق میانجیان فراهم شود. این باور غلط ناشی از نقص در مهارت‌های ارتباطی مشارکت دهندگان است.

□ بسیاری از پژوهشگران فکر می‌کنند مشارکت جامعه یعنی گوش دادن به مردم!

مشارکت حداقل سه پله دارد: گوش دادن، مشاوره گرفتن و شریک شدن. بنابراین بسیاری از اوقات این مردم هستند که با مشورت‌های خود راه صحیح را به پژوهشگران نشان می‌دهند.

□ برای مشارکت مردم نباید پول هزینه کرد!

سؤال این است که آیا بابت مشارکت مردم باید پول هزینه کرد؟ جواب این سوال بستگی به شرایط دارد. سازمان مشارکت‌دهنده و شروع سده مشارکت به طور قطع برای ایجاد بسترهای مشارکت از جمله ایجاد سیستم، آموزش، برقراری ارتباط، تشویق‌ها و نهادینه‌سازی‌ها باید هزینه کند، اما پرداخت مستقیم به مشارکت‌کنندگان مردمی نباید صورت پذیرد چراکه در اصل مشارکت کردن کاری داوطلبانه است، مگر این که افراد مشارکت‌کننده برای انجام وظایف معینی به استخدام رسمی سازمان مربوطه در بیایند و در قرارداد یا تفاهم‌نامه آنها انجام کار داوطلبانه منظور نباشد.